

دو ناله ترامپ در طول قریب به سه سال و نیم ریاست جمهوری خود کارنامه قابل توجهی از یک‌جانبه‌گرایی و بیرون کشیدن امریکا از توافقات و پیمان‌های بین‌المللی داشته‌است. فهرست این توافقات و پیمان‌ها بلنداست و شامل عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی – امنیتی و تسلیحاتی می‌شود. او در اقدام اخیر خود امریکا را در مقابل یکی از نهادهای مهم بین‌المللی قرار داد و حکمی را امضاء کرد که بنا بر آن مقامات دادگاه کیفری بین‌المللی در امریکا شوند. جای تعجب است که رئیس‌جمهور امریکا یک دادگاه بین‌المللی را به این نحو تهدید می‌کند و آن را دادگاهی غیرقانونی می‌خواند، در حالی‌که مبنای حقوقی آن مورد حمایت جامعه جهانی است. در واقع و با نگاهی به اصل موضوع می‌توان دریافت‌که نگرانی واشنگتن از یک‌سو متوجه کارنامه نظامیانش طی دو دهه گذشته و از سوی دیگر پاسخگویی دیگر متحندان آن به‌خصوص رژیم اسرائیل در مقابل این دادگاه است که حالا ترامپ با وضع تحریم به دنبال مرعوب کردن این نهاد بین‌المللی است.

■ **دادگاهی نوپا**

دادگاه کیفری بین‌المللی، International Criminal Court (ICC)، در مقایسه با بسیاری از دیگر نهادهای سازمان ملل، نهادی نوپاست، زیرا سابقه فعالیت آن به بیش از دو دهه نمی‌رسد. در واقع، شالوده این دادگاه در کنفرانس رم به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ بازمی‌گردد که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شد و کشورهای شرکت‌کننده در آن کنفرانس خواهان تشکیل دادگاه دائمی بین‌المللی بودند که بتواند به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در نقاط مختلف جهان رسیدگی کند. رسیدگی به این موضوع تا قبل از این به صورت موردی و خاص انجام می‌شد و در پرونده‌هایی مثل نسل‌کشی رواندا، سیرالئون و جنایت جنگی در یوگسلاوی سابق و کامبوج، دادگاهی ویژه برای رسیدن به این پرونده‌ها تشکیل می‌شد. تشکیل این دادگاه‌ها جدای از هزینه بالا، بسیار کند پیش می‌رفت و همین نیز باعث می‌شد تا بسیاری از مهمان چندان ترسی از دادگاه نداشته باشند و حتی در برخی موارد به اعمال خود ادامه دادند. به این جهت بود که درخواست برای تشکیل یک دادگاه دائمی برای رسیدگی به این پرونده‌ها در کنفرانس رم به تصویب ۱۲۰ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۲۱ رأی متنع رسید و اساسنامه آن به نام معاهده رم نیز از یکم ژوئن ۲۰۰۲ به تصویب رسید و از همین زمان اجرایی شد. ۱۲۴ کشور اکنون به عضویت این دادگاه درآمده‌اند و پنج‌موضوع نسل‌کشی اوگاندای، نسل‌کشی کنگو، نسل‌کشی آفریقای مرکزی، جنگ دارفو در سودان و نسل‌کشی کنیا در این دادگاه مورد بررسی قرار گرفته‌است و علیه ۴ نفر اعلام جرم شده که هفت نفر از آنها فراری، ۲ نفر مرده و ۴ نفر در بازداشت هستند و یک نفر هم به صورت داوطلبانه حاضر شد در مقابل دادگاه قرار بگیرد.

■ **مخالفت امریکا**

امریکا از جمله آن هفت کشوری بود که در کنفرانس رم رأی به International Criminal Court، در مقایسه با بسیاری از دیگر نهادهای سازمان ملل، نهادی نوپاست، زیرا سابقه فعالیت آن به بیش از دو دهه نمی‌رسد. در واقع، شالوده این دادگاه در کنفرانس رم به تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ بازمی‌گردد که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شد و کشورهای شرکت‌کننده در آن کنفرانس خواهان تشکیل دادگاه دائمی بین‌المللی بودند که بتواند به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در نقاط مختلف جهان رسیدگی کند. رسیدگی به این موضوع تا قبل از این به صورت موردی و خاص انجام می‌شد و در پرونده‌هایی مثل نسل‌کشی رواندا، سیرالئون و جنایت جنگی در یوگسلاوی سابق و کامبوج، دادگاهی ویژه برای رسیدن به این پرونده‌ها تشکیل می‌شد. تشکیل این دادگاه‌ها جدای از هزینه بالا، بسیار کند پیش می‌رفت و همین نیز باعث می‌شد تا بسیاری از مهمان چندان ترسی از دادگاه نداشته باشند و حتی در برخی موارد به اعمال خود ادامه دادند. به این جهت بود که درخواست برای تشکیل یک دادگاه دائمی برای رسیدگی به این پرونده‌ها در کنفرانس رم به تصویب ۱۲۰ رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۲۱ رأی متنع رسید و اساسنامه آن به نام معاهده رم نیز از یکم ژوئن ۲۰۰۲ به تصویب رسید و از همین زمان اجرایی شد. ۱۲۴ کشور اکنون به عضویت این دادگاه درآمده‌اند و پنج‌موضوع نسل‌کشی اوگاندای، نسل‌کشی کنگو، نسل‌کشی آفریقای مرکزی، جنگ دارفو در سودان و نسل‌کشی کنیا در این دادگاه مورد بررسی قرار گرفته‌است و علیه ۴ نفر اعلام جرم شده که هفت نفر از آنها فراری، ۲ نفر مرده و ۴ نفر در بازداشت هستند و یک نفر هم به صورت داوطلبانه حاضر شد در مقابل دادگاه قرار بگیرد.

■ **مخالفت امریکا**

امریکا از جمله آن هفت کشوری بود که در کنفرانس رم رأی به

کاخ سفید نگران جنایت جنگی سربازانش در سراسر جهان است

# فرار امریکا از مکافات جنایات



جنایات جنگی روشن بود. در واقع، امریکا به دلیل حضور گسترده نظامی‌اش در سراسر جهان همواره سعی کرده تا نوعی مصونیت برای نیروهای نظامی‌اش ایجاد کند تا اینکه در قبال اعمال خلاف قانون و حتی جنایات جنگی به دست عدالت سپرده نشوند. این موضوع به‌خصوص بعد از حملات ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ و اشغال عراق در ۲۰۰۳ اهمیت خاصی پیدا کرد، زیرا نیروهای امریکایی در دو کشور در گیر جنگ بودند و واشنگتن به دنبال مصونیت آنها از هر گونه پیگردی بود. واشنگتن در وهله نخست سعی کرد تا با اعمال نفوذ دادگاه کیفری بین‌المللی را قانع کند تا صلاحیت خودش را برای رسیدگی به اتهامات امریکایی‌ها نفی کند و وقتی دادگاه در حکم اولیه حاضر به این کار شد، امریکا نیز حاضر به امضای معاهده پاریس شد، اما دولت جورج بوش در ۶ می ۲۰۰۳ نه‌تنها این امضا را پس گرفت که کاری عجیب بود، بلکه سه‌ماه بعد و در ۳۰ آگوست ۲۰۰۳ قانونی به نام حمایت از اعضای دولت امریکا، American Servicemembers Protection Act، را به تصویب کنگره رساند که به دولت امریکا اختیارات ویژه‌ای را برای مقابله با دادگاه کیفری بین‌المللی می‌داد. دولت امریکا طبق این قانون حتی مجاز «حمله به لاهه» است تا شاخص امریکایی و حتی اتباع دولت‌های هم‌پیمان با امریکا را که برای رسیدگی به جنایات جنگی شان در بازداشت دادگاه کیفری بین‌المللی هستند آزاد کند.

## د

حکم ترامپ برای تحریم دادگاه بین‌المللی را

**باید تلاشی ناکام برای فراری دادن جنایتکاران امریکایی از مکافات دانست؛ همچنان که ۱۵ نوامبر گذشته حکم عفو سه جنایتکار جنگی را صادر کردند و حتی در چه نظامی یکی از آنها را به او بازگرداند، اما حالا نمی‌تواند با این نوع احکام به راحتی پرونده آنها را ببندد، زیرا اراده‌ای در خارج از دستگاه حاکمیتی امریکا قصد رسیدگی به جنایت‌های جنگی امریکایی‌ها را دارد**

مخالفت با این دادگاه داد و تاکنون نیز به مخالفت خود ادامه داده است. هر چند کشورهایی نظیر چین، لیبی، یمن و عراق هم از جمله کشورهای مخالف معاهده رم بودند، اما مخالفت امریکا به همراه رژیم اسرائیل و انگیزه این مخالفت با این معاهده و تشکیل یک دادگاه کیفری بین‌المللی دائمی برای رسیدگی به

### گزارش

## لقمه الحاق، بزرگ‌تر از دهان نتانیاھو



اقدامی نامتعارف به نمایندگان اطلاع داده که با انتقاد

رسمی از الحاق، مشکلی ندارد. نمایندگان دموکرات به روشنی با این اقدام مخالفت کرده‌اند.

اما چنان‌که در شرایطی که هیچکس درباره کرانه باختری و شهرک‌های یهودی‌نشین گفت‌وگو نمی‌کند، اسرائیل در میانه بزرگ‌ترین بحران اقتصادی و سلامتی، مسئله الحاق را مطرح کرده است؟ یکی از شعارهای نتانیاھو در کارزار انتخاباتی، الحاق بود. اکنون که تردیدها پیرامون فرصت‌های انتخاب دوباره ترامپ افزایش می‌یابد، زمان برای الحاق بسیار محدود خواهد بود. با این حال باز هم این پرسش مطرح است که چرا نتانیاھو (که هرگز عمل به وعده‌های انتخاباتی‌اش برای او یک اولویت نبوده) می‌خواهد اقدامی را انجام دهد که بیشتر نمایان است و به امنیت اسرائیل نمی‌افزاید، به ویژه این‌که او تاکنون از الحاق خودداری کرده است. برخی باور دارند که نتانیاھو هرگز این کار را عملی نخواهد کرد. ایهود باراک، نخست‌وزیر پیشین و یکی از مخالفان الحاق گفته است: «نتانیاھو این کار را انجام نخواهد داد. من او را از وقتی که ۱۹ سال داشت، می‌شناسم. او برای تصمیم‌گیری‌های بزرگ ساخته نشده است.»

سایرین باور دارند که نتانیاھو با آگاهی از شعور محاکمه‌اش نمی‌خواهد در تاریخ فقط به‌عنوان یک نخست‌وزیر عادی ثبت شود که اسرائیل را یمن نگه

جنایات جنگی روشن بود. در واقع، امریکا به دلیل حضور گسترده

نظامی‌اش در سراسر جهان همواره سعی کرده تا نوعی مصونیت برای نیروهای نظامی‌اش ایجاد کند تا اینکه در قبال اعمال خلاف قانون و حتی جنایات جنگی به دست عدالت سپرده نشوند. این موضوع به‌خصوص بعد از حملات ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان در ۲۰۰۱ و اشغال عراق از ۲۰۰۳ در این دادگاه پیگیری می‌شد تا اینکه فاتو بنسودا، دادستان ارشد دادگاه کیفری بین‌المللی، در نوامبر ۲۰۱۶ نظامیان امریکا و اعضای سازمان جاسوسی سیا را به اعمال خشونت و شکنجه زندانیان در افغانستان متهم کرد. از آنجایی که امریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیست، بنسودا نمی‌تواند مستقیماً علیه شهروندان آن جهت نظامی و چه غیر نظامی اقدامی بکند، اما چون افغانستان عضو این دادگاه است و تحقیقات مورد نظر آن، به‌خصوص به سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ مربوط می‌شود و جرائمی که طی این سال در خاک افغانستان اتفاق افتاده است، می‌تواند شهروندان امریکایی را تحت پیگرد قرار بدهد. در واقع، جنایات جنگی امریکا در افغانستان چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. برای مثال، دکتر محمد داوود میگی در کتاب «افغانستان پس از دموکراسی: داستان‌های ناگفته به روایت تصویر»، موارد عینی نقص عضو جدی در کودکان افغان از بدو تولد، افزایش انواع دیابت، مرگ بدون هیچ‌گونه علامت فیزیکی و دیگر نشانه‌ها می‌گوید که به نظر

■ **پرونده‌های باز**

قانون ۲۰۰۳ به معنای اعلان جنگ دولت امریکا با دادگاه کیفری بین‌المللی است که دست رئیس‌جمهور امریکا را برای هر اقدامی علیه این دادگاه بازمی‌گذار. با وجود این، مسئله جنایات جنگی امریکا در دو جنگ افغانستان و عراق از سال‌ها پیش مطرح بود و به‌خصوص موضوع جنگ افغانستان از ۲۰۰۶ در این دادگاه پیگیری می‌شد تا اینکه فاتو بنسودا، دادستان ارشد دادگاه کیفری بین‌المللی، در نوامبر ۲۰۱۶ نظامیان امریکا و اعضای سازمان جاسوسی سیا را به اعمال خشونت و شکنجه زندانیان در افغانستان متهم کرد. از آنجایی که امریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیست، بنسودا نمی‌تواند مستقیماً علیه شهروندان آن جهت نظامی و چه غیر نظامی اقدامی بکند، اما چون افغانستان عضو این دادگاه است و تحقیقات مورد نظر آن، به‌خصوص به سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ مربوط می‌شود و جرائمی که طی این سال در خاک افغانستان اتفاق افتاده است، می‌تواند شهروندان امریکایی را تحت پیگرد قرار بدهد. در واقع، جنایات جنگی امریکا در افغانستان چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. برای مثال، دکتر محمد داوود میگی در کتاب «افغانستان پس از دموکراسی: داستان‌های ناگفته به روایت تصویر»، موارد عینی نقص عضو جدی در کودکان افغان از بدو تولد، افزایش انواع دیابت، مرگ بدون هیچ‌گونه علامت فیزیکی و دیگر نشانه‌ها می‌گوید که به نظر

## گاوهای شیرده حالا سلاخی می‌شوند!

نمی‌توانند در برابر مردم کشورهای خود سر بلند کنند. ترامپ سفرای امارات و بحرین را مجبور می‌کند پشت سر او ایستاده در سخنرانی تشریح پیمان صلح پوشالی با صهیونیست‌ها ورا تأیید کنند!

حالا با زبان رفتن گرد و غبارها از دامن منطقه شرایط به وضوح و بهتر از قبل قابل مشاهده است.

اگر در سال ۲۰۱۷ سفیر امارات در واشنگتن با افتتاح کشورش راوعضی از حلقه اتحاد اعراب و امریکای دانست و با ادعای رسیدار لحن غیردیپلماتیک می‌گفت که ما با صهیونیست‌ها در مقابله با ایران منافع مشترک داریم، سه سال پس از آن وقایع و دومینوی شکست‌ها در اقدامی کم‌سابقه والحنی ملتسمانه در روزنامه پدیدمت اخرونوت نوشته‌است که از امریکای خواهیم از الحاق کرانه باختری به اسرائیل صرف‌نظر کند، زیرا این واقعه و روابط اعراب با صهیونیست‌ها را به مخاطره می‌اندازد!

آنچه سفیر اماراتی نوشت یعنی همه آن چیزی که در چهار سال اقدامات خصمانه و با هزینه کلان شکل گرفته

در ثانیهای دود شد و به هوا رفت!

این روزها حوادثی که در منطقه روی می‌دهد به یک کمدی شبیه است، پروژه نرمال‌سازی امریکایی‌ها با همکاری اعراب در خاورمیانه در آستانه فروپاشی قرار دارد، سران عرب با پذیرش طرح صلح ترامپ خود را مضحکه کرده و موج نفرت مسلمانان از آنها چندین برابر شده‌است و حالا به قول آقای العتیبه همه چیز در معرض نابودی است!

میخ‌آخر به تابلوت طرح عبیری، عربی امریکایی را ژنرال کنت مک کنزی زده است، فرمانده نیروهای تروریست امریکایی در غرب آسیا در یک سخنرانی گفته که فشار حداکثری ترامپ نرمال‌سازی ایران مؤلفه نظامی ندارد، این جمله مفهوم ساده، اما مهمی در خود دارد: «نظامی‌های عاقل در بدنه ارتش امریکا خودشان را قربانی یک طرح شکست‌خورده نخواهند کرد.»

در طرحی که در آن قرار بود شیوخ عرب با کمک آن در خاورمیانه آقایی کنند، صحنه‌ای بسیار شرم‌آور باقی مانده است! اعراب بدون هیچ دستاوردی از نرمالیزاسیون در برابر این تنها مانده‌اند، حالا آنها می‌جویند یا طرح تحمیلی ترامپ را بپذیرند یا زیر میز بازی زده و شاهد فروپاشی حکومت خود توسط اربابان امریکایی‌شان باشند. گاوهای شیرده عرب خلیج‌فارس در قمار ترامپ حیثیت خود را معامله کرده‌اند، اما در پس آن همه وقایع تلخ احتلال درس‌های درخشان نیز گرفته‌اند، حالا حکام مرتجع منطقه خوب می‌دانند که گاوهای شیرده نیز پس از دوشیده شدن سلاخی می‌شوند!



■ **مرضی سیمپاری**

نیمه‌های شب پنجم ژوئن سال ۲۰۱۷ تلفن خانه سفیر امارات به صدا درمی‌آید، در آن سوی خط استوارت جونز، معاون تیلر سسیون، وزیر خارجه وقت ایالات متحده، با عصیانیت فریاد می‌زند: «مگر دیوانه شده‌اید، تصمیم احمقانه شما خلیج‌فارس را به آتش می‌کشد»، اما سفیر در واکنش و با اعتماد به نفس بالا می‌گوید: «ما در هماهنگی کامل با کاخ سفید هستیم، آیا رئیس تو از تصمیم ترامپ خیردار؟» یوسف العتیبه بعدها با نقل قولی مکالمه شبانه با مقام امریکایی می‌گوید، ما با عربستان و با پشتیبانی ترامپ تصمیم گرفتیم قطر را تحریم کنیم، الباقی آن به کسی از تباط نداشت! آن روزها شاهزاده سعودی چون مترسکی باز بچه دست جارد کوشنر و دیوید گرین‌پالات شده و با صحبت‌های درگوشی با استناد اعظم خود، محمد بن زاید، تصمیم گرفته بود اول برادر کوچک خود، قطر را تنبیه کند و سپس با رؤیای تشکیل ناتوی عربی به سراغ ایرانی‌ها رفته و کار را یکسره کند!

اما آنهایی که به سیاست خارجه در منطقه آشنایی داشتند، می‌دانستند که لشکر سعودی به هیچ بند است و به زودی آتش‌تلفنی مردم ستم‌کشیده و مقاوم، هیمنه و بیباوی ارتش رؤیایی فرزند شاه سعودی را به خاک می‌کشد و باز با تجربه‌های خاورمیانه می‌دانستند که آتشی که امریکایی‌ها به آن هیزم می‌گذارند، هدفش ایجاد موازنه جدید در منطقه